173-198

TATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

198

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 173 Date of filing: 25 OCT 83

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: ~~Dis~~ Con & Dis of Mr Brower
_____
- Date 22 July 86
_____ pages in English 30 pages in Farsi

R/12

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

CONCURRING AND DISSENTING OPINION

Case No. 173

Chamber Three

پرونده شماره ۱۷۳

شعبه سه

حکم شماره ۳-۱۷۳-۳۷۸

English version
Filed on 22 July 1988
۳۱ تیر ۱۳۶۷
نسخهٔ انگلیسی در تاریخ
ثبت شده است.

هیوستن کانترکتینگ کامپنی،

خواهان،

- و -

شرکت ملی نفت ایران،

شرکت ملی گاز ایران، و

جمهوری اسلامی ایران،

خواندگان.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دادگاه داوری دعاوی ایران-ایالات متحده
FILED - ثبت شد
Date 25 OCT 1988
تاریخ ۱۳۶۷/۸/۳

DUPLICATE ORIGINAL
«نسخه برابر اصل»

نظر موافق و مخالف قاضی براوئر

۱ - اینجانب بطورکلی با یافته‌های حکم راجع به صلاحیت و با نتیجه‌گیریهای آن در موارد زیر موافقم:

- استحقاق خواهان به دریافت مبالغ معتنابهی بابت کارهایی که در رابطه با چهار قرارداد خط لوله نفت و گاز انجام داده است،

- استحقاق شرکت نفت و شرکت گاز به دریافت مبالغی بابت ادعاهای متقابلشان در رابطه با آزمایش های ظرفیت طبق قرارداد اصفهان - ری و حقوق معوقه نگهبانان طبق قرارداد گچساران،

- رد سایر ادعاهای متقابل،

بدلایل فوق و نیز به منظور حصول اکثریت لازم جهت صدور حکم، با حکم حاضر موافقم.

۲ - معهذا این نظر جداگانه را می‌نویسم، زیرا با برخی از نتیجه‌گیریهای حکم درباره استحقاق خواهان به وصول وجوه مربوط به سه فقره از چهار قرارداد مورد بحث و نیز با نظرات مندرج در حکم راجع به ادعاهای متقابل شرکت نفت در مورد وجود نقص در طراحی سیستم حفاظت کاتودی و ایستگاه فشارشکن قم طبق قرارداد اصفهان - ری و ادعای متقابل شرکت گاز بابت خدمات رادیوگرافی طبق قرارداد تعویض خط لوله گاز رسانی تهران مخالفم.

۳ - علاوه بر آن، با یافته‌های حکم راجع به ادعای هیوستن کانترکتینگ کامپنی (هیوستن) بابت مصادره تجهیزاتی که در ایران بجای گذاشته شدیدا" مخالفم. اینجانب معتقدم با این نتیجه‌گیری که هیوستن اثبات نکرده است که اموالش در نوامبر ۱۹۷۹ مصادره شده یا اینکه پس از آن، اقداماتی برای بازپس گرفتن اموالش به عمل آورده، در حکم توجه کافی به ادله موءید این مصادره، که در سوابق موجود است، نشده و ضابطه نادرستی برای اثبات چنین ادعایی ایجاد شده است.

اول - <u>قرارداد اصفهان - ری</u>

الف - <u>مطالبه وجه اعتبار اسنادی مربوط به کالاهای تحویلی</u>

۴ - در حکم صادره، ادعای هیوستن به مبلغ ۲۰۷،۶۹۶/۴۱ دلار امریکا که حسب ادعا، شرکت نفت بابت اعتبار اسنادی مفتوح برای تضمین پرداخت ۸۰ درصد قیمت بخش ب قرارداد اصفهان - ری مدیون است، رد شده است. مبنای نتیجه‌گیری فوق، این یافته حکم است که ماده ۲-۱۰۸ شرایط ویژه قرارداد، راجع به پرداخت بهای مصالح موضوع بخش ب و افتتاح اعتبار اسنادی به عنوان وسیله پرداخت، تلویحا" بدان معنی است که "بهای کلی قرارداد می‌بایست مطابق با ارزش مواد و مصالحی که واقعا" تحویل می‌شوند تعدیل گردد" (بند ۹۱). طبق مندرجات حکم، این معنای تلویحی با

این واقعیت تائید می‌شود که "هزینه نهایی مواد و مصالح در تاریخ مناقصه نمی‌توانسته معلوم باشد" ایضا". و مضافا" آنکه در ماده ۴۸ ـ ب شرایط ویژه، برای تعدیل قیمت مصالح وارداتی طبق بخش ب، "مکانیزم دقیقی" معین شده است. از آنجا که هیوستن بدون آنکه کل مبلغ اعتبار اسنادی را برداشت کند، قرارداد را بپایان رسانیده، در حکم چنین فرض شده است که هیوستن یا تمامی مصالح لازم برای اجرای قرارداد را حمل نکرده و یا اینکه با صرف مبلغ کمتری از حد مورد انتظار اولیه موفق به انجام این کار شده است. در هر صورت، در حکم نظر داده شده است که معنای تلویحی ماده ۱۰۸ دلالت بر کاهش قیمت قرارداد دارد.

۵ ـ به عقیده اینجانب، اینگونه تحلیل حداقل به معنی اصلاح مفاد قراردادی است که مورد توافق طرفین قرار گرفته و چنانکه از گواهی تحویل نهایی مورخ دهم شهریورماه ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹] صادره برای هیوستن بر می‌آید، بطور کامل توسط هیوستن اجرا شده است. طبق مفاد قرارداد، قیمت آن بطور مقطوع ۷،۳۹۵،۵۳۷،۰۰۰/ـ ریال بوده است و این قیمت مقطوع، بین بخش های مختلف قرارداد سرشکن شده و قیمت بخش ب طبق مندرجات صریح خود آن، مبلغ ۳،۰۳۹،۱۶۷،۰۰۰/ـ ریال (معادل ۴۴،۵۹۵،۲۶۰/۴۵ دلار امریکا به نرخ تسعیر ۶۸/۱۵ ریال در برابر هر دلار) بوده است. صرف این واقعیت که در قرارداد، مخصوصا" در ماده ۱۰۸ آن، مقرر گردیده است که پرداخت از طریق افتتاح اعتبار اسنادی صورت گیرد، به هیچوجه بدان معنی نیست که هیوستن استحقاق دریافت کل مبلغ مورد توافق طرفین قرارداد را نداشته است، چه رسد به اینکه قرار بوده چنانچه مبلغ اعتبار اسنادی تماما" برداشت نشود، قیمت قرارداد خودبخود تعدیل گردد. واقعیت این است که در قسمتهایی از قرارداد که مبلغ آن تعیین شده (رجوع شود به ضمیمه "ح" اصلاحیه شماره یک اسناد مناقصه در قسمت سوم/دو/ا، و نیز فرم موافقتنامه در قسمت چهارم/هفت/۳) اشاره‌ای به اینکه ماده ۱۰۸ تاثیری در مبالغ مندرج در آن داشته باشد، نشده است.

۶ - اینکه هزینه‌های نهایی در هنگام مناقصه نمی‌توانسته معلوم باشد، به هیچوجه موثر در توافق صریح طرفین راجع به قیمت مبنا برای بخش ب نبوده، مبنایی برای این استنباط نیست که قیمت قرارداد مشروط بوده است. درواقع، برخلاف نظر مندرج در حکم، اینکه در ماده ۴۸- ب شرایط ویژه، چنین "مکانیزم دقیقی" برای افزایش قیمت بخش ب معین شده (که صورتحساب این اضافات می‌بایستی برای شرکت نفت ارسال می‌شد و صراحتا" به تصویب آن شرکت می‌رسید) و بموازات آن، هیچ روشی برای کاهش قیمت قرارداد معین نگردیده، قویا" دلالت بر آن دارد که طرفین قصد چنین کاهشهایی را نداشته‌اند.

۷ - اعتبار اسنادی بدین جهت افتتاح گردید که مناسب ترین طریق پرداخت وجه به هیوستن در ایالات متحده بود و نه برای آنکه تدریجا" مبالغ کمتری بابت بخش ب پرداخت شود. قرار بود که هزینه بخش ب قرارداد، برخلاف دو بخش دیگر قرارداد، فقط به دلار امریکا پرداخت شود و برای مصالح ارسالی از ایالات متحده به ایران بوده است. بدیهی است که یک طریقه مناسب برای پرداخت در ایالات متحده بابت هزینه‌ای که هیوستن در آن کشور متحمل می‌شد، این بود که اعتبار اسنادیی نزد یک بانک امریکایی افتتاح شود. همه دست اندرکاران این حرفه می‌دانند که این طریقه پرداخت غالبا" در بسیاری از اشکال مختلف قراردادهای بین‌المللی و از جمله، قراردادهای بین‌المللی ساختمانی مورد استفاده است.(۱)

---

(۱) در واقع، تحلیلی که در حکم بعمل آمده، با یافته آن راجع به ادعای متقابل شرکت نفت در مورد کارهای تعمیراتی ایستگاه فشارشکن قم مغایرت دارد. در مورد این ادعای متقابل، در حکم نظر داده شده است که روش طرفین برای اجرای ترتیبات پرداخت بابت کار انجام شده، یعنی پرداخت توسط هیوستن به اسنام پروجتی سایپم بابت کار انجام شده، تاثیری بر تعهد اصلی هیوستن دائر بر پرداخت به شرکت نفت بابت همان کار ندارد (بند ۱۰۷) لیکن در مورد حاضر، حکم نظر داده است که روش طرفین برای پرداخت وجوه موضوع بخش ب قرارداد، تعهدات اصلی خوانده را تغییر می دهد.

۸ - بنابراین، باتوجه به جمیع جهات، نظربه اینکه هیوستن کلیه تعهدات خود بابت بخش ب قرارداد را ایفاء کرده، اینجانب چنین نظر می دادم که هیوستن استحقاق دارد کل مبلغ مقطوع مورد توافق در هنگام عقد قرارداد را دریافت نماید.

ب - ادعای متقابل شرکت نفت راجع به نقایص سیستم حفاظت کاتودی

۹ - در حکم صادره، ادعای متقابل شرکت نفت درباره قصور هیوستن در پیش بینی فضای لازم برای موتور دیزل پشتیبانی در هر یک از ایستگاههای حفاظت کاتودی، موجه تشخیص داده شده است. در حصول به این نتیجه، حکم به ماده ۷ شرایط عمومی قرارداد استناد می‌کند که طبق آن، هیوستن مسئول هرگونه "مغایرت، اشتباه یا اهمال در طرح‌ها و نقشه‌ها و سایر مشخصات" است، خواه "این نقشه‌ها و مشخصات به تصویب [شرکت نفت] رسیده باشد یا نرسیده باشد". در حکم نظر داده شده است که قصور هیوستن در پیش بینی فضای مزبور طبق ماده ۲۲ شرایط عمومی، نقص طراحی محسوب می‌شود. طبق مندرجات حکم، در این ماده مقرر شده است که کلیه کارها می‌بایست طوری انجام شود که "مورد رضایت [شرکت نفت] باشد". با آنکه این نقص در گواهی پایان کار مورخ هفتم مهرماه ۱۳۵۶ [۲۹ سپتامبر ۱۹۷۷] ذکر نشده، در حکم چنین نتیجه‌گیری می‌شود که این امر به تنهایی هیوستن را از مسئولیت مبری نمی‌کند، زیرا در ماده ۱-۱۸ مشخصات ساختمان خط لوله مقرر شده است که سیستم حفاظت کاتودی بلافاصله قبل از پایان دوره رفع نقائص آزمایش شود. با این استدلال، حکم مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰/- ریال که حسب ادعا صرف طراحی و تهیه فضای اضافی شده، به نفع شرکت نفت منظور کرده است.

۱۰ - با این نتیجه‌گیری، مواد ذیربط قرارداد، به غلط تعبیر و اعمال شده است. موضوعی که در این ادعای متقابل باید روشن شود اینست که آیا عدم پیش بینی فضای کافی توسط هیوستن برای نصب دو ژنراتور (به جای یکی) در هر ایستگاه، طبق ماده ۷

شرایط عمومی، اشتباه یا نقص طراحی محسوب می‌شود یا نه. براساس مدارک موجود در پرونده، من چنین نتیجه می‌گرفتم که این عدم پیش بینی، چنین اشتباه یا نقصی محسوب نمی‌شود. در گواهی پایان کار مورخ ۲۹ شهریورماه ۱۳۵٦ [۲۰ سپتامبر ۱۹۷۷] صراحتا" تائید شده است که سیستم "کامل" حفاظت کاتودی طبق مفاد قرارداد بخوبی نصب شده، بجز لیستی از اقلام که ناتمام مانده و هیوستن موظف به تکمیل آنهاست. در هیچ جای این صورت، شرکت نفت ذکری از نیاز به پیش بینی فضای اضافی برای ژنراتورهای پشتیبانی نکرده است. به نظر من، اگر اشتباه یا نقصی اینچنین فاحش در آنموقع بچشم خورده بود، مسلما" در این صورت درج می‌شد. توضیح منطقی درخواست بعدی شرکت نفت برای تهیه جای اضافی، اینست که شرکت مزبور بعدا" به این نتیجه رسید که اگر امکان داشت ژنراتورهای اضافی دیگری نصب شود، سیستم حفاظت مطمئن تر می‌بود. لیکن این خواسته در قالب مقررات ماده ۷ به معنای اشتباه یا نقص نبوده، بلکه موئید آنست که شرکت نفت خواسته است "مشخصه" جدیدی به طرح اضافه کند. در چنین وضعی، هر هزینه اضافی بابت این مشخصه می‌بایست به عهده شرکت نفت باشد.

۱۱ - نادیده گرفتن گواهی پایان کار مورخ ۲۹ شهریورماه ۱۳۵٦ [۲۰ سپتامبر ۱۹۷۷] در حکم، بر اساس تاریخ قراردادی که بعدا" برای "آزمایش" سیستم حفاظت کاتودی مقرر شده، بی‌توجهی به اصل موضوع و بی اعتنایی به مندرجات خود گواهی پایان کار است. در گواهی پایان کار نه تنها گواهی شده که سیستم حفاظت کاتودی تا آن تاریخ تکمیل شده، بلکه قید گردیده است که سیستم مزبور "آزمایش های مقرر در قرارداد را با موفقیت گذرانده" و "آماده بهره‌برداری" است. نتیجه اینکه، تا ۲۹ شهریورماه ۱۳۵٦ [۲۰ سپتامبر ۱۹۷۷] سیستم حفاظت کاتودی مورد آزمایش قرار گرفته و عیبی در آن مشاهده نشده بود. آن "آزمایشی" که قرار بود "بلافاصله قبل از انقضای دوره یکساله رفع نواقص" مندرج در ماده ۱-۱۸ مشخصات قرارداد انجام شود، که حکم به استناد آن، گواهی پایان کار را غیرقطعی اعلام

نموده، فقط یک "بررسی زمینی حفاظت کاتودی" بوده و بدین معنی نیست که سیستم قبلا" آزمایش نشده بوده است. در حقیقت، در ماده ۴-۱۸ همان مشخصات، تحت عنوان "آزمایشها" مقرر شده بود که هرگونه نقص در سیستم حفاظت کاتودی که در آزمایش این سیستم مشهود گردد، می‌بایست در "طول دوره نگهداری و مراقبت"، یعنی دوره‌ای که بلافاصله پس از صدور گواهی پایان کار مورخ ۲۹ شهریورماه ۱۳۵۶ [۲۰ سپتامبر ۱۹۷۷] شروع می‌شد، تعمیر می‌گردید و این امر قویا" موئید آنست که آزمایش سیستم می‌بایست پیش از بررسی زمینی مورد بحث در ماده ۱-۱۸ انجام می‌شد. باتوجه به حقایق فوق‌الذکر، اینجانب نظر می‌دادم که گواهی پایان کار دلیلی است قاطع براینکه نقصی وجود نداشته است.

۱۲ - حتی اگر فرض شود که گواهی پایان کار دلیل قاطع بر فقدان نقص نبوده است، یافته حکم دائر بر وجود نقص، صرفا" بر مبنای الزام ماده ۲۲ شرایط عمومی که کار باید مورد رضایت شرکت نفت باشد، تفسیر اشتباهی از آن ماده است. متن کامل آن ماده مقرر می‌دارد که کلیه کارها باید "به نحو مقرر در مشخصات" یا "در موارد غیرمقرر در آن، به رضایت مهندس ناظر" انجام شود. ماده مزبور مضافا" مقرر می‌دارد که "کلیه کارهای کارگاه باید طبق دستورات منطقی که شرکت نفت صادر می‌کند انجام شود." بدین ترتیب، در صورتیکه کار در مشخصات قرارداد ذکر شده بوده، ضابطه‌ای که باید از آن پیروی می شد، "دستورات منطقی" صادره از طرف شرکت نفت بوده و نه "رضایت شرکت نفت" که ضابطه سخت تری است. در این مورد، سیستم حفاظت کاتودی تا حدودی به تفصیل در مشخصات قرارداد تشریح شده بود. رجوع شود به مشخصات قرارداد در قسمت هشتم/دو/۲۸-۲۵. بنابراین، ضابطه‌ای که باید درباره کار روی آن سیستم اعمال شود، "دستورات منطقی" بوده است. در این مورد، شرکت نفت اثبات نکرده است که موضع وی منطقی بوده، زیرا تنها نظر اداره حقوقی خود را دائر بر وجود نقص تسلیم نموده و گواهی کارشناس مستقلی راجع به استانداردهای صحیح بین‌المللی برای ساختمان چنین سیستمی را در اختیار

دیوان قرار نداده است.(۲) از آنجا که شرکت نفت در این جا خواهان متقابل است، اثبات ادعا به عهده اوست.

۱۳ - باتوجه به جمیع جهات، اینجانب این ادعای متقابل را بدلیل آنکه شرکت نفت وجود نقص یا کمبودی در سیستم را اثبات نکرده است، رد می‌کردم.

ج - نواقص ایستگاه فشارشکن قم

۱۴ - حکم صادره، همچنین ادعای متقابل شرکت نفت را بابت مبالغی که حسب ادعا به یک شرکت ایتالیاتی به نام اسنامپروجتی - سایپم بابت کارهای اضافی در رفع نقص بخشی از سیستم موسوم به ایستگاه فشار شکن قم پرداخت شده، موجه دانسته است. در اتخاذ این نظر که مبلغ مزبور دین هیوستن به شرکت نفت است، حکم چنین نظر می‌دهد که چون در شرایط عادی هیوستن ملزم به جبران خسارت شرکت نفت بابت این کار اضافی می‌بوده، طریقه پرداخت مورد توافق طرفین، یعنی ارسال صورتحساب هزینه توسط پیمانکار ایتالیایی به هیوستن از طریق شرکت نفت، نباید موجب ابراء هیوستن از تعهد اصلی وی به پرداخت این هزینه شود. بدین ترتیب، حکم مبلغ -/۵،۸۷۳،۳۵۶ ریال به شرکت نفت اعطاء می‌کند و این مبلغی است که پیمانکار ایتالیایی صورتحساب آنرا برای هیوستن فرستاده و حسب ادعا توسط شرکت نفت پرداخت شده است.

---

(۲) نتیجه‌گیری حکم مبنی بر اینکه "محتمل می‌نماید که فضای تخصیص یافته به یک دستگاه ژنراتور در طرح سیستم ممکن است برای دسترسی لازم به دو دستگاه کافی نباشد" (بند ۹۷)، عجولانه است و مبنایی در سوابق ندارد. به علاوه، با آنکه درخواست مزبور ممکن است منطقی باشد، بدین معنی نیست که عدم تخصیص این فضا، نقص سیستم باشد.

۱۵ - دیوان می‌بایست این ادعای متقابل را بعلت فقد صلاحیت رد می‌کرد، به این دلیل که شرکت نفت ادعای مزبور را از طرف شخص ثالثی که حائز شرایط طرفیت در این دادرسی نیست، اقامه کرده است. تنها مدرک این بدهی صورتجلسه مورخ ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۸ [پنجم فوریه ۱۹۸۰] است که صراحتا" در آن قید شده است که "سایپم کار را با هماهنگی [هیوستن] انجام و بابت هرگونه کار اضافی، از طریق شرکت نفت برای هیوستن صورتحساب ارسال خواهد نمود". این عبارت به روشنی مقرر می‌دارد که اگر هم دینی وجود داشته، داین اسنام پروجتی - سایپم بوده و نه شرکت نفت.(۳) درواقع، همچنانکه در حکم خاطرنشان گردیده، صورتحسابی که برای پرداخت به هیوستن ارسال شد، صورتحساب اسنامپروجتی - سایپم بوده و نه صورتحساب شرکت نفت و شرکت نفت در نامه مورخ ۲۸ بهمن ماه ۱۳۵۹ [۱۷ فوریه ۱۹۸۱] خود به هیوستن که ضمیمه صورتحساب بود، به هیوستن دستور داده است "که برای پرداخت این صورتحساب به اسنامپروجتی - سایپم اقدام لازم معمول فرمایند". (خط تاکید اضافه شده است). با این توضیح، اگر واقعا" شرکت نفت این صورتحساب را نهایتا" پرداخت کرده، ریسک آنرا خود برعهده گرفته و اینک نمی‌تواند بابت دینی که براستی از آن دیگری است، اقامه دعوی کند.(۴)

---

(۳) اینکه اسنامپروجتی - سایپم صورتحساب را برای شرکت نفت ارسال کرده، بی‌اهمیت است، زیرا این روش مورد توافق طرفین برای ارسال صورتحساب به هیوستن بود و بنابراین بدان معنی نیست که اسنامپروجتی - سایپم، شرکت نفت را مدیون می‌دانست.

(۴) همچنین مدرکی در سوابق وجود ندارد که نشان دهد شرکت نفت واقعا" این صورتحساب را پرداخته باشد. تنها مدرک تسلیمی شرکت نفت در این باره، یک نامه داخلی است به تاریخ ۲۹ مردادماه ۱۳۶۳ [۲۰ اوت ۱۹۸۴] که در آن قید شده است که، پرداخت وجه به سایپم "تصویب شده است". به هر حال و یا در غیراینصورت، مطالبه وجه براساس آن مصوبه، خارج از صلاحیت دیوان است، زیرا صلاحیت دیوان محدود به ادعاهایی است که قبل از تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ایجاد شده باشد. اسنامپروجتی - سایپم تا تاریخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۹ [نهم فوریه ۱۹۸۱] صورتحساب خود را حتی صادر هم نکرده بود.

۱۶ - این اظهار مندرج در حکم که هیوستن در شرایط عادی متعهد به تقبل هزینه این کار اضافی بوده و لذا روش مورد توافق طرفین برای پرداخت دین نباید موثر در دین هیوستن به شرکت نفت باشد، صحیح نیست. تنها مدرک دین، اگر اصولاً دینی درکار باشد، صورتجلسه مورخ ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۸ [پنجم فوریه ۱۹۸۰] است که بدون آن، مبنایی برای این استنتاج وجود نمی داشت که هیوستن بابت کار اضافی که پیمانکار دیگری انجام داده مدیون است. حال اگر این صورتجلسه کافی برای احراز وجود دین و موافقت هیوستن به تقبل هزینه کار باشد (آنچنانکه در حکم نظر داده شده)، در اینصورت همین صورتجلسه نیز کافی برای تعیین داین است.

دوم - قرارداد گچساران

الف - ادعاهای کار اضافی

۱۷ - در حکم صادره، مبلغ ۳،۳۵۵،۲۴۹/۵۸ دلار امریکا (در واقع، بطور خالص مبلغ ۱،۹۱۳،۲۴۹/۸۸ دلار امریکا پس از کسر پرداخت های علی‌الحساب) بابت پنجاه و نه فقره مطالبه جداگانه هیوستن بابت کارهای اضافی انجام شده طبق قرارداد، به وی اعطاء شده است. برای رسیدن به این رقم، حکم یکایک ادعاها را بطور جداگانه، جز آنچه که مورد قبول خوانده بوده بررسی و اکثریت ادعاهای هیوستن را به علت فقد دلیل رد کرده است. رقم نهایی اعطایی حکم بابت این ادعاها کمتر از یک پنجم رقم ۱۸،۳۹۹،۳۱۵/- دلار مورد مطالبه هیوستن بابت این کارهای اضافی است.

۱۸ - اینجانب در عین حال که از بسیاری جهات با کسر مبالغ مورد ادعا موافقم، ولی بررسی ادعاها در حکم موجب شده است که مبلغ قابل پرداخت به هیوستن به کمتر از مبلغ مجاز قابل پرداخت به وی بابت گواهی پرداخت شماره ۱۶ برسد. در این

گواهی پرداخت که به امضای نمایندگان فاستر ویلر و آسکو (که شرکت نفت جانشین حقوق آنست) رسیده، خوانده تصویب کرد که مبلغ ۵،۰۰۰،۰۰۰/- دلار امریکا بابت کار اضافی انجام شده طبق قرارداد بطور "علی‌الحساب" به هیوستن پرداخت شود. از این پرداخت مصوب، هیوستن فقط ۱،۴۴۲،۰۰۰/- دلار امریکا دریافت نمود و بقیه آن، یعنی ۳،۵۵۸،۰۰۰/- دلار امریکا حسب ادعا بعلت ترک قرارداد توسط هیوستن در دسامبر ۱۹۷۸ ضبط شد.

۱۹ - این فرض حاصل از بررسی ادعا در حکم، دایر بر اینکه خوانده پرداخت مبلغی بیش از آنچه که به هیوستن قابل پرداخت می‌دانست تصویب کرده است، به نظر من واقع‌بینانه نیست. عملا" قرار نبوده مساعده‌ای بابت این قرارداد پرداخت شود و ۵،۰۰۰،۰۰۰/- دلار پرداختی بصورت "علی‌الحساب"، مشخصا" برای مطالبات معوقه بابت کارهایی بوده که قبلا" انجام شده بوده است. اینکه در چنین قراردادی کارفرمایی پرداخت مبلغی بیش از آنچه که باعتقاد وی برای کاری لازم‌التادیه است تصویب کند، بسیار غیرمحتمل و در واقع، بنا به شهادت آقای وایت، بی‌سابقه است. عقل سلیم حکم می‌کند که در وضعیت حاضر نیز چنین باشد.

۲۰ - در حقیقت، مدارک موجود در پرونده این نکته را محرز می نماید. در گزارش پایانی فاستر ویلر در باره قرارداد که خوانده همراه لوایح خود تسلیم کرده، گفته شده است که گواهی پرداخت شماره ۱۶، "پرداخت مورد توصیه برای کاری است که ارزش آن طبق برآورد [هیوستن] ۱۲،۰۰۰،۰۰۰/- دلار بود ... [ولی] برآورد فاستر ویلر در تائید آن، تقریبا" ۵ میلیون دلار و پس از تعدیل، ۶ میلیون دلار" بوده است. بنابراین، خوانده پیش از تصویب گواهی پرداخت شماره ۱۶، ارزش کار را برآورد نموده و این گواهی مبین برآورد وی از مطالبات هیوستن بوده است. حکم پرونده که مطالبات را چندین سال پس از انجام کار و برآورد آن توسط خوانده بررسی کرده و ارزش کار را به رقمی کمتر از برآورد خود خوانده در زمان اجرای

قرارداد ارزیابی می‌کند، بنظر من بی‌عدالتی شدید نسبت به هیوستن روا می‌دارد. به نظر اینجانب، ارزیابی دیوان نمی تواند کمتر از رقم مورد توافق طرفین قرارداد باشد که مبین حداقل مبلغ هزینه بابت کارهای اضافی بوده است.(۵)

۲۱ - با این انتقاد کلی از برخورد حکم با این پنجاه و نه ادعا، اینک به تشریح جزئیات اختلاف نظر خود با بررسی حکم از یکایک ادعاها می‌پردازم.

۱ - تقلیل بابت ساعات اضافه بر ده ساعت در روز که به عنوان معطلی ادعا شده است

۲۲ - در عین حال که حکم پرونده ادعاهای هیوستن را بابت معطلی و تاخیر مربوط به تحویل لوله و مواد منفجره (قلم ۳)، کارگران ساختمانی (قلم ۷) و کارگران مکانیکی (قلم ۸)، کار مربوط به سیستم آب رسانی (قلم ۲۸)، کارگران جوشکار (قلم ۴۲) و تغییرات در مقررات پروانه کار (قلم ٦۲) موجه می‌شناسد، از مبالغ قابل وصول، به میزان ساعات اضافه بر ده ساعت در روز که هیوستن به حساب شرکت نفت گذاشته بوده، کسر کرده است. در حصول این نتایج، حکم پذیرفته است که لزوم پرداخت اضافه کار علاوه بر ده ساعت در روز طی مدتی که کارگران معطل بوده‌اند، "ممکن است برای هیوستن عاملی ضروری جهت حفظ نیروی کارش بوده باشد"، معهذا در حکم اینطور نتیجه‌گیری شده است که "این عامل، پایه و مبنایی برای مطالبه تمامی هزینه از شرکت نفت محسوب نمی‌شود". (بند ۱۸۵)

---

(۵) بدیهی است که از لحاظ خوانده، مبلغ ۵،۰۰۰،۰۰۰/- دلار امریکا، پرداخت کامل بوده و نه "حداقل" مبلغ مطالبات معوقه، زیرا رقم مزبور مبتنی بر ارزشیابی فاستر ویلر از کار انجام شده بوده است، در حالیکه هیوستن این مبلغ را فقط "حداقل" رقم قابل پرداخت می‌داند.

۲۳ - من با این نتیجه‌گیری موافق نیستم. چنانکه در حکم نظر داده شده، تاخیرهایی که موجب این هزینه‌های اضافی گردید و لازم ساخت که بخش عظیمی از نیروی کار هیوستن برای مدتهای طولانی معطل نگهداشته شود، در نتیجه قصور شرکت نفت و فاستر ویلر مهندس ناظر آن در تهیه و عرضه بموقع مصالح لازم به هیوستن و قصور ایشان در اداره و هماهنگی صحیح امور طرح بوده است. در جلسه استماع، آقای نیل وایت، مدیر امور قرارداد طرح هیوستن، شهادت داد که در مواقعی که تاخیرهایی بروز می‌کرد و کارگران معطل می‌ماندند، لازم بود که حقوق آنها به ماءخذ دوازده ساعت معمول در روز پرداخت شود، چون در غیراینصورت کارگران جذب شرکت های رقیب در همان بازار کار می‌شدند. آقای وایت مضافا" شهادت داد که چون طرح گچساران در وسط کویری در گوشه دورافتاده‌ای از ایران اجرا می‌شد، شرایط و ساعات کار پیش از عزیمت کارگران به محل تعیین شده بود. آقای وایت در جلسه استماع همچنین شهادت داد که فاستر ویلر از احتیاج به تضمین دوازده ساعت کار در روز آگاه بود و به بازرس ارشد خود دستور داده بود که برگهای ساعات کار را که شامل این ساعات اضافی می‌شد، امضاء نماید و بدین ترتیب به آن رضایت داده بود.

۲۴ - باتوجه به این شهادت و اینکه برگهای ساعات کار بابت ساعات اضافی توسط نماینده فاستر ویلر امضاء شده بود، برای من اصولا" قابل درک نیست که حکم بر چه اساسی باین نتیجه رسیده است که نیاز هیوستن به نگاهداری نیروی کار خود، مبنای صحیحی برای جبران خسارت وی نیست. به نظر من، اینکه هیوستن در نتیجه فعل یا ترک فعل نماینده شرکت نفت در طرح، متحمل این هزینه‌های لازم شده و شرکت نفت از طریق امضای نماینده‌اش در ذیل برگهای ساعات کار این تاخیرها را مجاز شناخته، مسلما" مبنای کافی برای جبران کلیه زیان هیوستن بدست می‌دهد.

۲۵ - اشاره حکم به ماده ۳-۸-۸ شرایط ویژه دایر بر اینکه هیوستن ملزم است

"هزینه‌های اضافی" ناشی از تاخیر در تحویل مصالح را "به حداقل رسانده یا از بین ببرد"، دراینجا به هیچوجه موثر در مقام نیست. هیوستن در گزارشی که توسط آقای نیل وایت، پس از اتمام کار، راجع به تاخیرها تنظیم شده بود و در نامه‌های متعدد ارسالی به فاستر ویلر موجود در پرونده، منعکس گردیده، اظهار داشت که به منظور تقلیل هزینه‌های اضافی ناشی از تاخیرها، "وی در اعزام جوشکاران و کارگران خط لوله تاخیر کرد". براستی نیز این واقعیت در مکاتبات متعدد با فاستر ویلر در دوره تاخیر بطور ضمنی مشهود است. برای من قابل درک نیست که حکم از هیوستن چه انتظاری سوای خاتمه دادن به خدمت کارگران و استخدام مجدد ایشان پس از ورود مصالح داشته است. بدیهی است که این عمل بر هزینه طرح می‌افزود و طبق شهادت بلامعارض آقای وایت، اصولا" کاری غیرممکن می‌بود.

۲۶ - حکم برای اثبات نتیجه گیری های خود، اشاره به هیچ مدرکی در پرونده نمی‌کند و به راستی نیز مدرکی موجود نیست. تنها مدرکی که نظر مندرج در حکم را می‌توان بر آن استوار نمود، شهادتنامه کتبی و شهادت شفاهی آقای پیتر چارلز بکر مدیر منصوب فاستر ویلر در طرح گچساران است که از ابتدای طرح تا دسامبر ۱۹۷۷ در این سمت بکار اشتغال داشت. آقای بکر در شهادتنامه کتبی و شهادت شفاهی خود، موضوع پرداخت اضافه کار به کارگرانی را که "معطل و بیکار مانده" بودند، مورد سوال قرار داد و بدین ترتیب تلویحا" گفت که این هزینه ها قابل قبول نیست. اما بنظر من، قبول نظر آقای بکر راجع به این طرح، بعد از شهادت وی در جلسه استماع، کاملا" نادرست است. آقای بکر در طول شهادت خود، نامه‌های متعددی را که در طول اجرای کار طرح، بخصوص در موضوع تاخیر و معطلی کارگران برای وی و سایر کارکنان فاستر ویلر ارسال شده بود، بیاد نمی آورد. در واقع، در جلسه استماع معلوم شد که آقای بکر در سال ۱۹۷۷ بدلایلی که از اظهار آن در جلسه استماع خودداری نمود، توسط کارفرمای خود از سمت خود در طرح برکنار شده بود. واقعیت اسفناکی که از شهادت او و نیز متعاقب آن، از بازپرسی او توسط وکیل

خواهان کشف شد، این بود که طرز کار آقای بکر در سمت مدیر طرح احتمالا" یکی از عوامل بروز مشکلات و تاخیرهای بیشماری بود که طرح از همان ابتدا مداوما" با آنها دست بگریبان بوده است.

۲۷ - باتوجه به اینکه دلیلی وجود ندارد که تردید شود که هیوستن ملزم به پرداخت حقوق کارگران خود به ماخذ دوازده ساعت در روز بوده و دلیلی نیز برای تردید در اذعان فاستر ویلر به بروز تاخیر وجود ندارد، اینجانب حکم به کل مبلغ درخواستی خواهان بابت این ادعاها می‌دادم.

۲ - تاخیرهای ناشی از کمبود لوله و مواد منفجره (قلم ۳) و معطلی کارگران ساختمانی (قلم ۷)

۲۸ - در عین حال که در حکم، مبالغ معتنابهی بابت دو قلم فوق اعطاء شده، معذلک با عدم اعطای مبالغ مورد ادعا بابت افزایش هزینه های اداری، کمپ، انبارداری و خدمات عمومی ناشی از تاخیرها، (-/۱۱۵،۵۸۵،۰۱۶ ریال بابت قلم ۳ و -/۳۰،۴۷۰،۰۰۰ ریال بابت قلم ۷) مقدار زیادی از مبالغ مورد ادعای هیوستن کسر گردیده است. این اقلام از مبالغ مورد مطالبه از آن جهت در حکم رد شده است که "سند و مدرک یا محاسبه‌ای در تائید هزینه‌ها ارائه نشده" و "دیوان متقاعد نشده است که هزینه‌های مزبور هزینه‌های اضافی است که در غیراینصورت هیوستن متحمل‌نمی‌شد." (بند ۱۸۶).

۲۹ - نظر مندرج در حکم درست است که هیوستن غیر از گزارش وایت مدارکی برای تعیین مبلغ مطالبات خود از این بابت ارائه نکرده است. لیکن در مورد این مطالبات، عدم ارائه مدرک مبنایی برای این نتیجه‌گیری در حکم نیست که این هزینه‌ها قابل مطالبه نمی‌باشد. همچنانکه در گزارش وایت خاطرنشان گردیده، این

اقلام هزینه، یعنی مدیریت کارگاه، انبار کارگاه، عملیات کمپ، خدمات عمومی و اداره کارگاه، "بخشهای ضروری و اساسی عملیات لوله گذاری هستند که وقتی آغاز شد، به ناچار باید ادامه یابد، اعم از اینکه عملیات خم کردن یا ریسه کردن لوله‌ها یا جوشکاری یا هر نوع عملیات بعدی دیگر در کارگاه در حال انجام باشد یا نباشد". مدرکی خلاف این امر در پرونده موجود نیست و منطقی بنظر می‌رسد که عملیات مزبور ضروری بوده و تاخیر در برنامه کار و توقف طولانی کار در آنها تاثیر سوء داشته است.

۳۰ - در واقع، نظر مندرج در حکم مبنی بر اینکه هیچ مدرکی دال بر این واقعیات تسلیم نشده اشتباه محض است. با آنکه هیچ برگ ساعات کار یا صورتحسابی تسلیم نشده، تعداد کثیری از نامه‌های متبادله بین هیوستن و فاستر ویلر تسلیم شده است که اثبات می‌کند که بعلت قصور خوانده در عرضه مصالح لازم، تاخیر زیادی بوقوع پیوست و در نتیجه آن، کارگران ساختمانی اجبارا" معطل ماندند و این مشکلات تاثیرات شدیدی در برنامه کار هیوستن گذاشت. در نتیجه، تاخیر فراوان محرز و اثر آن در برنامه کار هیوستن مشهود گردید.

۳۱ - بدین ترتیب، موضوعی که باید دیوان رسیدگی کند تعیین میزان این هزینه‌های اضافی است. با آنکه حقیقت دارد که هیچ برگ ساعات کار یا صورتحساب یا اطلاعات اولیه دیگری ارائه نشده، هیوستن در موارد مقرر، آحاد بهاء این خدمات را بصورتیکه در قرارداد تعیین شده، مورد استفاده قرار داده است. اگر این اطلاعات بنظر دیوان کافی نمی‌بود، در آنصورت بنظر من می‌بایست دیوان راسا" رقم منصفانه‌ای بابت این هزینه های اضافی متحمله هیوستن که از این تاخیر ناشی شده بدست می‌داد. این واقعیت که کار با تاخیر مواجه شده و این تاخیر در برنامه کار هیوستن اثر سوء داشته، احراز شده است، زیرا حکم پرونده با اعطای مبالغی بابت بخش‌های دیگر این ادعاها بر این واقعیت صحه گذاشته است. از آنجا که

هیوستن به علت این تاخیر، یقینا" متحمل هزینه‌های اضافی برای اداره، سرپرستی و همچنین کمپ شده بود، منطقی بود که دیوان رقم منصفانه‌ای برای این هزینه‌ها تعیین می‌نمود تا به هیوستن مسترد می‌شد. در واقع، دیوان در یک مورد در خصوص قرارداد تعویض خط لوله گاز رسانی تهران چنین روش منصفانه‌ای را به کار برده است. رجوع شود به : بخش سوم (ب) (۲) (د) (سیزده).

۳۲ - از آنجا که محاسباتی از این نوع، ذاتا" تا حدی اختیاری هستند، برای آنکه خوانده از قصور هیوستن در تسلیم اطلاعات بیشتر، منتفع شده باشد، من با استفاده از روش زیر، دست کم را گرفته و این رقم را تعیین می‌کردم. هیوستن بابت دو قلم فوق، هزینه‌هایی به مبلغ ۱،۶۳۹،۵۶۳/۷۹ دلار امریکا و ۴۳۲،۱۹۸/۵۳ دلار امریکا یعنی جمعا" ۲،۰۷۱،۷۰۲/۳۷ دلار امریکا مطالبه کرده است. باتوجه به اینکه باید دست کم را بگیریم و ضمنا" وجود تاخیر در دوره مورد ادعا نیز محرز شده است، بنظر من اعطای مبلغ ۵۰۰،۰۰۰/- دلار امریکا بابت این دو قلم مناسب می‌بود.

۳ - کارهای ساختمانی اضافی در انشعابات (قلم شماره ۵۷)

۳۳ - در حکم صادره، ادعای هیوستن بابت هزینه‌های متحمله به علت افزایش کارهای ساختمانی لازم در انشعابات، به این دلیل رد شده است که هیوستن "کاملا" از عهده اثبات این ادعای قابل ملاحظه و اجرای کارهای ساختمانی برنیامده است" (بند ۲۲۳). معهذا، در حصول این نتیجه، در حکم اذعان شده است که هیوستن یک یادداشت چهار صفحه‌ای دست نوشته تحت عنوان "اندازه‌گیری مجدد انشعابات بخش دو" تسلیم و ادعا کرده است که یادداشت مزبور توسط مهندسین فاستر ویلر نوشته شده و دلیلی است بر اینکه فاستر ویلر موافقت کرده بود کارهای ساختمانی را مجددا" ارزیابی و مبلغ ۲،۵۱۵،۰۰۰/- دلار به آن اضافه کند و خواندگان این

یادداشت را مورد معارضه قرار نداده‌اند.

۳۴ - در عین حال که نیازی به بحث زیاد راجع به این ادعا نیست، ناچارم نتیجه‌گیری حکم را درباره بار اثبات ادعا توسط خواهان با توجه به نظر مندرج در حکم راجع به دفاع خواندگان در برابر این ادعا، مورد سوال قرار دهم. هیوستن دو مدرک در اثبات این ادعا تسلیم نمود، یکی یادداشت دست نوشته در تائید اندازه‌گیری مجدد کارهای ساختمانی به مبلغی که پیشتر ذکر شد و دیگری گزارش پایانی طرح، نوشته آقای وایت، که بار دیگر مبلغ قابل پرداخت را تائید می‌کند. علاوه بر اینها، آقای وایت در جلسه استماع به تفصیل درباره اندازه‌گیری مجدد [کارهای ساختمانی] شهادت داد و از جمله اظهار داشت که گزارش دست نوشته فوق‌الذکر توسط مهندسین فاستر ویلر نوشته شده است (که ظاهرا" حکم صحت این اظهار را مورد قبول قرار می‌دهد). درواقع، در گزارش فاستر ویلر درباره پایان کار قرارداد که خوانده آن را به عنوان مدرک تسلیم نموده، فاستر ویلر اظهار داشته است که "پیش از پایان سال ۱۹۷۸ اندازه‌گیری مجددی از کارهای ساختمانی مربوط به انشعابات، توسط آقای وایت از هیوستن و فاستر ویلر به عمل آمده بود".

۳۵ - از آنجا که شرکت نفت هیچ اقدامی در رد این مدارک و اقرار مندرج در گزارش پایانی مبنی بر انجام مجدد این اندازه‌گیری نکرده، من چنین نظر می‌دادم که خواهان ادعای خود را باندازه کافی مدلل ساخته است. در یادداشت دست نوشته تنظیمی فاستر ویلر صراحتا" قید شده است که برآورد مجدد کارهای ساختمانی بهمان مبلغی بوده که در این پرونده ادعا شده است. وقتی این یادداشت را بهمراه گزارش وایت در تائید این دین و شهادت آقای وایت در جلسه استماع در نظر می‌گیرم، برای من روشن است که هیوستن طلب خود را علی‌الظاهر اثبات کرده است. باتوجه به این وضعیت، من کل مبلغ درخواستی بابت این بخش از ادعا را مورد حکم قرار می‌دادم.

۴ - ادعاهای مربوط به
نصب گودال های سوخت (قلم ۷۰)،
جابجا کردن لوله‌های مشعل در چاه شماره ۲۰- GS (قلم ۷۱)،
احداث تقاطع بتونی در کنار ۲۱- M (قلم ۷۹) و
نصب گودال های سوخت (قلم ۸۰)

۳۶ - این ادعاها که رقم آن کلا" ۵۴۸،۶۱۸/۸۵ دلار امریکا است در حکم رد شده‌اند، بدین دلیل که خواهان اثبات نکرده است که این کارها بدرخواست فاستر ویلر انجام شده و یا اینکه اینها کارهای اضافه‌ای بوده که در قیمت یا مشخصات قرارداد معین نشده بوده اند. برای هر مورد، خواهان برگهای ساعات کار به امضای نماینده فاستر ویلر و گزارش پایانی طرح تنظیمی آقای نیل وایت مبنی بر تائید صحت این دین را تسلیم نموده است.

۳۷ - براساس این مدارک، من چنین نتیجه‌گیری می‌کردم که هیوستن ادعاهای خود را بقدر کافی اثبات کرده است. در وهله اول، برگهای ساعات کار که توسط مهندس فاستر ویلر امضاء شده باید دلیل آن تلقی شود که کار به درخواست فاستر ویلر انجام شده است و یا حداقل اینکه وقتی کار انجام شد، فاستر ویلر آنرا تصویب کرد. راجع به اینکه هیوستن نتوانسته اثبات کند که این کار جزو قرارداد نبوده، باید بخاطر داشت که خوانده هیچگاه مدعی نشده بود که این کار در قیمت قرارداد منظور شده بوده، بلکه صرفا" استدلال کرده بود که وجه آن کار از وی مطالبه نشد و دلیلی دردست نیست که کار انجام شده، مورد رضایت فاستر ویلر قرار گرفته یا اینکه اصولا" دستور انجام کار به هیوستن داده شده باشد. همینقدر که شرکت نفت اظهار نداشته که این کار جزو مشخصات قرارداد بوده خود اعتراف بدان است که کار جزو قرارداد نبوده است. درهرصورت، باتوجه به شهادت آقای وایت راجع به تائید صحت دین از این بابت و عدم ارائه استدلال مخالفی توسط شرکت نفت، مسلما" هیچ مبنایی وجود ندارد که حکم بر این اساس، در صحت مبالغ مورد مطالبه تردید کند.

۳۸ - باتوجه به جمیع جهات، من مبالغ مورد درخواست را به خواهان اعطاء می‌کردم.

۵ - توقف کار در چاه شماره ۸۰ - GS (قلم ٦۵) و معطلی متصدی نصب ابزار دقیق (قلم ۹٦)

۳۹ - حکم پرنده، این دو ادعا را که به ترتیب به مبلغ ۲،۳۷۲/۳۴ دلار امریکا و ۹،۴۱۷/۳۰ دلار امریکا است رد می‌کند، باین دلیل که "هیچ قرینه‌ای حاکی از اینکه وجود طلب بالقوه‌ای به اطلاع فاستر ویلر یا شرکت نفت رسیده باشد تا الزامات ماده (۱) ۴۳ شرایط عمومی ایفاء شده باشد، وجود ندارد" (بند ۲۴۰). ماده مزبور مقرر می‌دارد که هیوستن باید هر هزینه اضافی مورد مطالبه خود را "ظرف یکماه از تاریخ متحمل شدن هر هزینه اضافی" به خوانده اطلاع دهد.

۴۰ - من مبالغ درخواستی بابت هر دوی این ادعاها را به خواهان می‌دادم. مدرکی حاکی از اینکه طرفین این تشریفات را در طول مدت اجرای قرارداد رعایت می‌کرده‌اند، وجود ندارد. در واقع، حکم در ارتباط با ماده ۴۲ شرایط عمومی تحت عنوان "اصلاحات قرارداد" نظر می‌دهد که طرفین معمولا" اینگونه تشریفات را رعایت نمی‌کردند. بدین ترتیب، اکنون پس از گذشت سالهای متمادی، محروم کردن خواهان از حق مطالبه وجوهی که لازم‌التادیه بودن آنها طبق مدارک پرونده محرز است، آنهم به دلیل عدم رعایت این تشریفات، تا حدودی غیرمنطقی بنظر می‌رسد. معهذا، ولواینکه ماده مزبور در این مورد قابل اعمال می‌بود، من چنین نظر می‌دادم که امضای نماینده فاستر ویلر ذیل هر برگ ساعات کار که برای اثبات وجود دین تسلیم شده، دلیل آن است که خوانده از مطالبه وجوه مورد بحث توسط هیوستن اطلاع حاصل کرده است.

۶ - ریسه کردن مجدد لوله‌هایی که عوضی تحویل شده بود (قلم ۹)، هزینه اضافی بعلت انسداد جاده واحد فشار - ۲ (قلم ۵۹)، بتون ریزی اضافی کانال لوله (قلم ۷۶)، رنگ کاری اضافی (قلم ۸۳) و آزمایش مجدد در چاه شماره ۱۷- GS (قلم ۹۰)

۴۱ - حکم پرونده، این ادعاها را که جمعا" به مبلغ ۴۷۲،۶۳۷/۱۸ دلار امریکا است اختصارا" رد می‌کند، بدین دلیل که مدارک موءید آنها "نقایص اساسی" دارد، زیرا "پاره‌ای از آنها کامل بنظر نمی‌رسد و یا فاقد امضاءها یا مجوزهای لازم هستند". (بند ۱۷۹). و در نتیجه، حکم نتیجه می‌گیرد که هیوستن بقدر کافی از عهده اثبات آنها برنیامده است.(۶)

۴۲ - پس از بررسی این پنج ادعا باید بگویم که با رد آنها در حکم موافق نیستم و در مورد چهار فقره از آنها به این نتیجه رسیده‌ام که رد آنها در حکم حاضر منافی نحوه تلقی ادله در قسمتهای دیگر حکم است. خواهان برای مطالبه وجوه مربوط به ریسه کردن مجدد لوله‌هایی که عوضی تحویل شده بود، بتون ریزی اضافی کانال لوله‌ها و رنگ کاری اضافی و آزمایش مجدد در چاه شماره ۱۷- GS، برگهای ساعات کار بامضای نماینده فاستر ویلر حاوی توضیحات کامل مربوط به کارهای مورد ادعا را تسلیم نموده است. علاوه براین، در مورد اقلام شماره ۷۶ و ۸۳، هیوستن مکاتبات بین طرفین را که موءید تعهد خوانده به پرداخت این هزینه‌هاست و یا دستور فاستر ویلر مبنی بر انجام کار را نیز ارائه کرده است. با توجه به اینکه برگهای امضاء شده ساعات کار موءید انجام شدن کار است و ادعا نیز نشده که این کار جزو قرارداد اولیه بوده، من دلیلی نمی‌بینم که بین این ادعاها و آن ادعاهایی

---

(۶) حکم این ادعاها را تک تک و بطور جداگانه بررسی نکرده است. این ادعاها جزء صورتی از نوزده فقره مطالبات هستند که حکم دلایل اثبات آنها را کافی تشخیص نداده است. (بند ۱۷۹).

که حکم قبول آنها را منطقی می‌بیند، بتوان فرقی قائل شد.

۴۳ - با آنکه برگهای ساعات کاری که هیوستن برای اثبات ادعای هزینه‌های اضافی متحمله بابت انسداد جاده واحد فشار - ۲ (قلم ۵۹) تسلیم کرده، امضاء نشده‌اند، چند مدرک تسلیمی هیوستن محرز می‌نماید که جاده مسدود بوده و فاستر ویلر موافقت کرده بود که هزینه‌های اضافی مورد مطالبه هیوستن بابت این انسداد را مورد توجه قرار دهد. به نظر من، این نامه‌های متبادله بین طرفین، صحت مطالب مندرج در برگهای ساعات کار را تائید می‌کنند و بدین لحاظ، من معتقدم که حکم می‌بایست مبالغ مورد درخواست را اعطاء می‌کرد.

ب - کسور قراردادی

۴۴ - من با تصمیم‌گیری حکم راجع به ادعای هیوستن بابت کسور قراردادی و نظر مندرج در آن که ماده ۵۲ شرایط عمومی، ناظر بر حقوق هیوستن است، موافقم. لیکن ضمن اعلام این نظر، حکم از اعطای "هزینه‌های معقول برچیدن طرح" به هیوستن، که همین ماده ۵۲ وی را مستحق دریافت آن می‌داند، فروگذار می‌نماید. از آنجا که در حکم صادره، ماده ۵۲ ناظر بر حقوق هیوستن شناخته شده، این الزام وجود دارد که مبلغی بابت این هزینه‌ها محاسبه و به هیوستن اعطاء گردد. گواینکه هیوستن در لوایح خود به این موضوع نپرداخته است، ولی این امر صرفا" از آن جهت بود که حکم تحلیل هیوستن را راجع به ادعای کسورات قراردادی رد و به میل خود به این ماده استناد کرده بود. بنابراین، علی‌القاعده دیوان موظف بوده است که رقم منصفانه‌ای برای این هزینه‌ها تعیین نماید و یا اینکه به هیوستن فرصت ارائه مدرک این هزینه‌ها را بدهد.

سوم - قرارداد تعویض خط لوله گاز رسانی تهران

الف - معطلی ناشی از تاخیر در تحویل لوله‌ها

۴۵ - در حکم صادره، ادعای هیوستن به مبلغ -/۷۶۵،۰۳۴ دلار امریکا بابت هزینه معطلی ناشی از قصور شرکت گاز در تحویل بموقع لوله رد شده است، بدین دلیل که هیوستن "بنحوی متقاعد کننده اثبات نکرده است که هزینه‌های مورد مطالبه، به هزینه اضافی تمدید مدت تکمیل کار مربوط بوده است." (بند ۴۰۶). حکم به ماده ۱-۱۷ شرایط ویژه قرارداد استناد می‌کند که مقرر می‌دارد: "اگر لوله‌هایی که شرکت باید تهیه کند، طوری تحویل نشود که [هیوستن] بتواند بطور مستمر کار کند و مدت تکمیل تمدید شود، هزینه اضافی مدت تمدید بعهده [شرکت گاز] خواهد بود". حکم در عین حال که امکان ایجاد تعهد بموجب این ماده را ذکر می کند، معهذا خاطرنشان می‌نماید که چون هیوستن دلیلی ارائه نکرده است که تاریخهای تمدید شده قرارداد را با این علت تاخیر ارتباط دهد، در قرارداد مبنایی برای مطالبه وجه وجود ندارد.

۴۶ - من با این نظر موافق نیستم. در نامه مورخ ۲۹ آذرماه ۱۳۵۷ [۲۰ دسامبر ۱۹۷۸] هیوستن به شرکت گاز که برای اثبات این ادعا تسلیم شده، نه تنها تاخیر حاصله از کمبود لوله و هزینه متحمله هیوستن به علت این تاخیر ذکر گردیده، بلکه قید شده است که "برنامه تکمیل مراحل مختلف طرح مسلما" باید به علت این تاخیرها تمدید شود". (خط تاکید اضافه شده است). در نتیجه، واضح است که تاریخ های اتمام کار به علت این تاخیرها تمدید شده و این امر عملا" موجب احراز شرایط استناد به ماده ۱-۱۷ و مسئولت شرکت گاز می‌گردد. به نظر من، اینکه در حکم خاطرنشان شده است که هیوستن برنامه اصلاحی و تجدیدنظر شده را تسلیم نکرده تا میزان تمدید مدت انجام کار به علت این تاخیر مشخص شود، موثر در مقام نیست. آنچه از

لحاظ ماده ۱-۱۷ اهمیت دارد اینست که آیا اصولاً قصور شرکت گاز در تحویل بموقع لوله‌ها موجب شد که هیوستن تاریخ تکمیل کار خود را تمدید کند یا نه. نامه آذرماه ۱۳۵۷ [دسامبر ۱۹۷۸] این نکته را محرز می‌کند.

۴۷ - بنابراین وقتی این نکته محرز شد، شرکت گاز مسئول "هزینه اضافی مدت تمدید شده" می‌گردد. بدین ترتیب، موضوعی که دیوان باید بررسی کند اینست که این هزینه‌های اضافی چیست. به نظر من، بهترین مدرک هزینه‌های این تمدید تاریخ تکمیل، صورتحسابی است که هیوستن در همان زمان بابت هزینه خود تاخیر ارائه داده است. واضح است که هر مدت زمانی که نیروی کار هیوستن به علت نبودن لوله بیکار و معطل بوده، زمان کاری بوده که می‌بایست در آینده جبران می‌شد و بنابراین، مدرک منطقی هزینه‌هایی است که هیوستن به علت تمدید تاریخ تکمیل متحمل شد. با توجه به اینکه شرکت گاز این ارقام را رد نکرده است، من این مبالغ را جزو طلب هیوستن منظور می‌کردم.

۴۸ - بنابراین، اینجانب کل مبلغ درخواستی هیوستن بابت این قلم را مورد حکم قرار می‌دادم.

ب - ادعای متقابل بابت خدمات رادیوگرافی

۴۹ - حکم، ادعای متقابل شرکت گاز بابت پرداخت مبلغ ۲۱،۹۵۷/۴۵ دلار امریکا برای خدمات رادیوگرافی را که آن شرکت انجام داده، قابل قبول می‌شناسد و در تائید آن، به ماده ۲۰ شرایط ویژه قرارداد استناد می‌نماید که در آن مقرر شده است که هیوستن می بایست "کلیه تجهیزات و خدمات رادیوگرافی" را تامین می‌نمود و نتیجه می‌گیرد که ماده مزبور این استنباط را ایجاد می‌کند که هزینه این تجهیزات و خدمات برعهده هیوستن بوده است. در حکم، همچنین اشاره به دو یادداشت داخلی

شرکت گاز شده است که حاکی است این خدمات توسط شرکت مزبور انجام شده و هزینه آنها همان مبلغی است که در این ادعای متقابل مطالبه شده است.

۵۰ - اینجانب در عین حال که موافقم که ماده ۲۰ هیوستن را مسئول ارائه خدمات رادیوگرافی کرده است، چنین نظر می دادم که مدارک تسلیمی شرکت گاز در اثبات ادعای متقابلش کافی نیست. در درجه اول، از یادداشتهای فوق‌الذکر روشن است که هیچگاه صورتحسابی برای هیوستن ارسال نشد، زیرا هر دوی آنها مکاتبات داخلی شرکت هستند و اشاره‌ای به اینکه هزینه‌های مزبور به اطلاع هیوستن رسانیده شده ندارند. عامل دیگری که به همین اندازه حائز اهمیت است، اینکه شرکت گاز نشانه‌ای بدست نمی‌دهد که این خدمات رادیوگرافی چه بوده، چه وقتی انجام شده و هزینه آنها چگونه محاسبه گردیده است.

چهارم - <u>ادعای سلب مالکیت</u>

۵۱ - حکم در عین حال که نظر می‌دهد تجهیزاتی مصادره شده است، با وجود این، ادعای هیوستن بابت مصادره تجهیزاتش را رد می‌کند، بدین دلیل که در سوابق پرونده مبنایی برای تعیین دقیق اقلام مصادره شده وجود ندارد. در حصول به این نتیجه، حکم ابتدا نظر می‌دهد که در ماه مه ۱۹۷۹، اعضای کمیته انقلاب اهواز کنترل محوطه ماشین آلات را در اهواز بدست گرفته و قسمتی از تجهیزات موجود در آن را برای استفاده کمیته تصرف کردند. معهذا حکم نظر می‌دهد که ادعای هیوستن مبنی بر اینکه بعد از نوامبر ۱۹۷۹ این کمیته انقلاب دیگر به وی اجازه نداد هیچیک از تجهیزات را از ایران خارج کند، بی‌اساس است زیرا هیوستن دلیلی ارائه ننموده که پس از آن تاریخ کوششی برای خارج کردن تجهیزات بعمل آورده باشد و بعدا" نظر می‌دهد که ادعای مصادره کلیه تجهیزات مورد ادعا "با درخواست های صدور و پروفورماهای صادراتی" ("RFEs") مشروحی که هیوستن بعدا" در ژوئیه ۱۹۷۹ تهیه

کرده و نیز با این واقعیت مسلم که هیوستن توانست مقدار معتنابهی از وسایل خود را بعد از مه ۱۹۷۹ صادر کند، تناقض دارد." (بند ۴۷۰)

۵۲ - باآنکه قبول این نحوه تحلیل از ادعا از بسیاری جهات برای من مشکل است، ولی بویژه برای من غیرقابل قبول است که بنظر می‌رسد حکم وظیفه نسبتا" سنگینی را برای اثبات ادعا برعهده هیوستن گذارده است و این وظیفه‌ای است که در چهارچوب رویدادهای پرونده حاضر انجام آن برای هیوستن عملا" غیرممکن است. حکم خواسته است که هیوستن (ظاهرا" با مدارکی غیر از شهادتنامه و صورت های داخلی از وسایلی که هنوز در ایران است) اثبات کند که کمیته انقلاب اهواز بعد از تصرف اموال در مه ۱۹۷۹ مانع آن شد که هیوستن تجهیزات را از محوطه خارج کند و حتی بعد از آنکه هیوستن اجازه خروج قلمی از اقلام را تحصیل نمود، مقامات کمیته بازهم مانع خروج آن شدند. چنین خواستی طفره رفتن از اصل مساله است - ولی هیوستن چگونه باید این امر را اثبات کند؟ من در عین حال که می‌پذیرم که هیوستن به عنوان یک خواهان، وظیفه دارد صحت ادعای خود را با ارائه ادله کافی به اثبات برساند، معهذا جدا" معتقدم که اوضاع و احوال هر پرونده نیز باید موثر در شکل ادله مورد لزوم باشد. حکم تصریح نمی‌کند دقیقا" چه نوع ادله و مدارک بیشتر لازم است تا هیوستن بتواند ادعایش را اثبات نماید. در ادعایی از این دست که کمیته‌های محلی انقلاب، محوطه ماشین آلات را بزور سرنیزه در اختیار گرفته و بدرخواست های هیوستن برای خارج کردن تجهیزاتش ترتیب اثر ندادند، مشکل بتوان تصور کرد که در غیاب مدارک مستند یا اظهاریه‌ای از کمیته محل دال بر مصادره، چه مدرک مستند دیگری قابل تحصیل می‌بوده است. واضح است که الزام به تامین چنین دلیلی برای مصادره در جهت اثبات ادعا ذاتا" غیرمنطقی است و تنها راهی که برای هیوستن باقی می‌گذارد، ارائه شهادتنامه از جانب افرادی است که از وجود این تجهیزات در ایران بیشترین اطلاع را داشته اند.

۵۳ - پس از ذکر این نکته بدیهی، تردیدی نیست و حکم نیز آن را قبول می‌کند که محوطه ماشین آلات اهواز در ماه مه ۱۹۷۹ تصرف و قسمتی از تجهیزات هیوستن ضبط گردید. مکاتبات متعدد هیوستن با شرکت گاز در اعتراض به این عمل در تابستان ۱۹۷۹ این نکته را محرز می‌نماید. علاوه بر آن، این نکته نیز درست است و حکم آن را خاطرنشان می‌کند که شرکت گاز بعد از تصرف محوطه به هیوستن اجازه داد برخی از تجهیزات خود را خارج کند. لیکن جایی که من دیگر با حکم همصدا نیستم، تحلیل آن از رویدادهای بعد از نوامبر ۱۹۷۹ و وضعیت این تجهیزات در ایران در آن هنگام است. به نظر من، مدارک موجود ثابت می‌کند که در آن هنگام کمیته انقلاب اهواز و کمیته مستقر در علی آباد دیگر به هیوستن اجازه نمی‌دادند هیچیک از تجهیزات دیگر خود را برای صدور از ایران از آنجا نقل مکان دهد و بنابراین می‌توان گفت که کمیته‌های مزبور خواهان را از دسترسی به کلیه تجهیزات باقیمانده در آن محوطه‌ها محروم نمودند. بنابراین من در تبعیت از رویه این شعبه در پرونده سدکو، اینک. و شرکت ملی نفت ایران، قرار موقت شماره ۳-۱۲۹-۵۵ ITL مورخ ششم آبان ماه ۱۳۶۴ [۲۸ اکتبر ۱۹۸۵] (که در 9 Iran-U.S. C.T.R. 248 به چاپ رسیده است)، تاریخ مصادره را مه ۱۹۷۹، یعنی زمان اولین مداخله مسلم ایران در حقوق هیوستن قرار می‌دادم.

۵۴ - هیوستن به عنوان مدرک این موضوع، شهادتنامه آقای ناصر اصفهانیان نایب رئیس ارشد هیوستن در عملیات خاورمیانه در هنگام ضبط تجهیزات و شهادتنامه آقای ج. دبلیو. گالی مدیر تجهیزات هیوستن را تسلیم نموده است که هر دوی ایشان در آن زمان از نزدیک در کار نظارت بر تجهیزات هیوستن دست داشته و هر دو نفر جریان رویدادها را بترتیبی که ذکر شد و نیز امتناع ایران را از دادن اجازه خروج بقیه تجهیزات مورد گواهی قرار داده‌اند. علاوه بر اینها، هیوستن نامه‌ای بتاریخ دهم آذرماه ۱۳۵۸ [اول دسامبر ۱۹۷۹] از هیوستن به شرکت گاز را تسلیم نموده که در آن هیوستن خاطرنشان ساخته است که "انبار این شرکت در اهواز، حاوی

تجهیزات، قطعات یدکی و ملزومات شرکت در آن محل ضبط و حق استفاده از این وسایل از شرکت سلب شده است". (خط تاکید اضافه شده است). این نامه که تاریخ آن بلافاصله بعد از زمانی است که هیوستن ادعا می‌کند حق بازپس گرفتن تجهیزاتش از وی سلب شد، از این لحاظ حائز اهمیت است که اولین نامه‌ای است که در آن هیوستن اظهار داشته که کلیه تجهیزاتش در اهواز ضبط شده است. و بالاخره هیوستن صورتجلسه مورخ ششم و هفتم بهمن ماه ۱۳۵۸ [۲۶ و ۲۷ ژانویه ۱۹۸۰] را تسلیم نموده که طبق تصدیق حکم، "دلالت بر آن دارد که اغلب وسایل باقیمانده در اهواز، اگر نگوییم همه آنها، دیگر در اختیار هیوستن نبوده، حتی اگر کمیته انقلاب نیز عملا" از آنها استفاده نمی‌کرده است". (بند ۴۶۹).

۵۵ - به نظرمن، این مدارک محرز می‌نماید که از نوامبر ۱۹۷۹، هیوستن قادر نبوده است تجهیزات دیگری را از انبار خود در اهواز و علی آباد خارج کند. بطوریکه قبلا" ذکر شد، خواست حکم مبنی بر تسلیم ادله بیشتر در تائید کوششهای بعدی هیوستن برای پس گرفتن تجیهزات از کمیته‌های محلی، به عقیده من، با توجه به ماهیت ضبط ادعایی، خواسته‌ای غیرمنطقی از خواهان است. به علاوه، حتی درصورتیکه اقدام بیشتری هم به عمل نمی‌آمد، من معتقدم که مدارک تسلیمی، به ویژه صورتجلسه ماه ژانویه ۱۹۸۰ گواه بر آنست که چنین کوششهایی بی ثمر می‌بوده و این امر، ضرورت چنین درخواست هایی را منتفی می‌نماید.

۵۶ - بدین ترتیب، مساله اینست که در آن زمان، چه تجهیزاتی در انبار باقی و تحت کنترل ایران باقی مانده بوده است. چنانکه در شهادت نامه‌های آقای اصفهانیان و آقای گالی خاطرنشان گردیده و در گواهی جلسه استماع تکرار شده، هیوستن برای تعیین مقدار تجهیزاتی که هنوز در ایران است، از صورت کلیه اقلامی که به ایران حمل و یا در آنجا خریداری شد، آغاز کرد. طبق شهادت آقای گالی، این صورت بطور معمول جزو صورت موجودی جاری اموال هیوستن نگاهداری می‌شد. هیوستن

اقلامی را که از سرویس خارج یا در ایران فروخته شده بود، یا اقلامی را که بعد از تصرف انبار، هیوستن موفق شده بود از ایران خارج کند، از این صورت حذف نمود و بدین ترتیب، بنا به گفته هیوستن، صورت کامل تجهیزاتی را که هنوز در ایران مانده و هیوستن موفق به خارج کردن آنها نشده بود، بدست آورد.

۵۷ - باتوجه به اینکه صورت مزبور مستخرج از صورتهای موجودی اموالی است که در جریان عادی کار هیوستن تهیه می‌شده، من تصور می‌کنم که بهترین مدرک موجود از اموال باقیمانده در ایران باشد و بنابراین آن را، البته با یک مورد استثناء، می‌پذیرفتم. در یک تلکس از آقای آیکستاد، مدیر طرح هیوستن که حکم نیز بدان اشاره دارد، نامبرده با اشاره به چند قلم در آخرین صورت اموال، آنها را چنین توصیف کرده است که "بقدری اوراق و فرسوده شده‌اند که حملشان بیفایده‌است". من فکر می‌کنم که این تلکس دلیل کافی است براینکه هیوستن علاقمند به داشتن این چند قلم نبوده و بنابراین من آنها را از صورت حذف می‌کردم.

۵۸ - آنچه که اعتبار این صورت را تقویت می‌کند اینست که مدرک قابل قبولی در رد آن ارائه نشده است. هیچ مدرکی در پرونده نشان نمی‌دهد که هیچیک از این اقلام هرگز از ایران خارج شده باشد. استناد حکم به تلکس آیکستاد که ضمنا" راجع به اقلام دیگری در این صورت که هیوستن مایل بوده از ایران خارج کند، بحث کرده و نیز استناد به "RFE"های تحصیل شده توسط هیوستن در مورد اقلام مندرج در لیست، به عنوان دلیل آنکه هیوستن این اقلام را در اختیار داشته و یا در واقع می‌توانسته آنها را از ایران خارج کند، کاملا" بی‌اساس است. این اسناد نشانه علاقه هیوستن به خارج کردن این اقلام بوده و در این رابطه، تنها موءید ادعای هیوستن است که به کوشش خود برای باز پس گرفتن کنترل وسایل خود ادامه می‌داده است. لیکن، بطوریکه در شهادتنامه گالی تصریح و در اظهارات وکیل خواهان در جلسه استماع تکرار شده، تحصیل پروانه خروج برای قلمی از تجیهزات یک

مساءله بوده و درآوردن آن از چنگ کمیته محلی و صدور آن به خارج، یک مساءله دیگر. در واقع، این مطلب از لوایح شرکت گاز محرز می‌شود که شرکت مزبور در جایی اظهار می‌دارد که پروانه صدور اقلام خاص دلیل بر آنست که آن اقلام خارج شده‌اند و در جای دیگر می‌گوید که کارشناس وی در اواخر سال ۱۹۸۰ دقیقا" همان اقلام را در اهواز از نزدیک بازرسی کرد. بدین ترتیب، هیچیک از این مدارک را نمی‌توان نافی شهادتنامه‌های هیوستن راجع به تجهیزاتی که در ایران تحت کنترل دولت باقی مانده‌اند، تلقی نمود.

۵۹ - با توجه به این واقعیتها، من نظر می‌دادم که مصادره تجهیزات مورد ادعای هیوستن، جز در مورد چند قلمی که قبلا" بدانها اشاره کردم، به وقوع پیوسته است. چون ارزش این تجهیزات در حکم مورد بحث قرار نگرفته، من دلیلی برای اظهارنظر راجع به آن نمی‌بینم، جز اینکه بگویم که ارزشیابی کارشناس مستقل که خواهان تسلیم نموده، ظاهرا" مبنای کافی برای حکم می‌بود.

لاهه، به تاریخ ۲۲ دوشنبه ۱۹۸۸ برابر با ۳۱ تیر ۱۳۶۷

Charles N. Brower

چارلز ان. براوئر